



در حاشیه گرانی نان و ارزاق دیگر



عکس نوشت

لعنت به این جاده‌ها اگر معنی‌شان جداییه

درباره تصویری از تریلی ترمز بریده جاده زیدون به گچساران که خودش را به دره می‌اندازد

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

چه شب‌ها و چه روزها، چه عصرهای دلگیر و صبح‌های سرد، چه تو شرچی، چه تو گرما، چه سرازیری‌ها و سینه‌کش‌هایی که در پیچ و خم‌ش دنده صد من و یک غاز عوض نکرده، نقل، نقل راننده ماشین‌سنگین است، همانی که جاده برایش حکم خانه دارد، همانی که در جاده پیر

می‌شود اما دلش همیشه جوان است، همانی که عاشق بی‌ادعای جاده است، همانی که هر بوقش سلامتی برای میهمانان جاده است، همانی که جاده دفتر خاطراتش است، به خودمان نگاه نکنید، به خودمان که چه بشود تا ابر و باد و مه خورشید و فلک دست به دست هم دهند بلکه راضی شویم و به چاک جعده بزیم، برای ما آدم‌های معمولی جاده پیچ و خم است، اما برای راننده ماشین‌سنگین هر سینه‌کشش یک قصه است، جاده‌ها را اینطور نبینید، یعنی به چشم آسفالت و خاکی و گاردریل نگاه‌شان نکنید، جاده‌ها عجیب دل بزرگی دارند، عجیب معرفت سرشان می‌شود، خیلی وقت‌ها پشت رفیق‌شان که همین راننده‌های سنگین باشند تمام‌قد ایستاده‌اند، باورتان نمی‌شود پای حرف یک کدام‌شان بنشینید و بشنوید، اصلاً خودتان را بگذارید جای جاده، مگر می‌شود قدر کسی که عمرش را به پایت می‌ریزد ندانی؟ مگر می‌شود کسی که همدم تنهایی و خلوت بوده را به چشم رهگذر نگاه کنی؟ همه این‌ها را می‌دانم می‌توانم یک شبانه‌روز همین گوشه صفحه سه بنشینم و درباره راننده، ماشین‌سنگین و جاده برایتان بنویسم، اما وقتی فیلم راننده «ماشین ترمز بریده» که خودش را به دره می‌اندازد نگاه می‌کنم دلم هُری می‌ریزد، می‌دانم که راننده به حکم راننده ماشین‌سنگین بودن، به حکم حواس جمع بودن، به حکم اینکه نخواستنه یک مو از دماغ میهمانان جاده کم شود خودش را به دره انداخته، حتی می‌دانم که راننده نگهدار بی‌جبر مواجب جاده است، اما هی پیش خودمی‌گویم نکند خدای ناکرده جاده و راننده دعویاشان شده باشد، یعنی چه شده که جاده حواسش را به رفیقش نداده، چه شد که زیر پای رفیق شب و روزش را خالی کرد، نکند جان به لبش کرده باشد، نکند با مرام زیر لب خوانده باشد لعنت به این جاده‌ها اگر معنی‌شان جداییه و در خانه را کوبیده و بیرون زده.



نگاه تحلیلیگر

ارزیاب جنگ، دیدبان صلح



علی آهنگر

نویسنده و پژوهشگر تاریخ

یکی از اولین تجربیات جنگ تحمیلی هشت‌ساله، تعیین فرمانده برای جنگ بود. فرماندهی که با تکیه بر سازوکار اجرایی موجود، زمام امور جنگ را در دست گرفت؛ هم در میدان و هم در مسیر قطعنامه گام‌های مهم و سرنوشت‌ساز برداشت. این تصمیم به معنای آن نبود که تا آن سال جنگ بی‌فرمانده بوده، بلکه بیانگر گذار از مرحله مدیریت صرف به مرحله ارزیابی و طراحی آینده بود. دیدگاهی بود که حالامی‌باید به ارزیابی جنگ، و در نهاد خویش، به دیدبانی صلح می‌پرداخت. و چنین شد که جنگی هشت‌ساله در مسیر دیپلماسی قرار گرفت. امروز هم کشور و نظام در وضعیت جنگ و آتش‌بس قرار دارد؛ وضعیتی که در یک سو ناتو و قدرت‌های اروپایی و آمریکا با پشتیبانی‌های آشکار نظامی، اطلاعاتی، لجستیکی و تبلیغاتی از اسرائیل قرار دارند؛ و در سوی دیگر ایران درست به مانند جنگ هشت‌ساله، کوهوار، یک‌ه و تنها اما با کوله‌باری از آمادگی، دانش و تجربه ایستاده است. در این وضعیت نابرابر، تعیین «شورای دفاع» برای رصد دقیق اوضاع و تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژیک در باره جنگ و دفاع امری لازم و بی‌ش ضروری بود. اینک شورایی داریم مرکب از: رئیس‌ان سه قوه، دو نماینده از طرف رهبری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، فرمانده کل سپاه، فرمانده کل ارتش، وزیر اطلاعات و رئیس قرارگاه خاتم‌الانبیا، که زیر نظر رئیس‌جمهور انجام وظیفه می‌کنند. حمایت از تقویت همه‌جانبه توان دفاعی کشور و سرعت عمل در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حوزه دفاعی، بخشی از وظایف این شورا خواهد بود؛ شورایی که برپایه اصل ۱۷۶ قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی (شعام) به تناسب وظایف خود می‌تواند تشکیل دهد، و حالا تشکیل داده است. با اگذار شدن امر خطر جنگ و دفاع به شورای دفاع، حالا این شورا با واقع‌بینی‌های بیشتری می‌تواند به ارزیابی آنچه گذشت بپردازد. به دیدگاه روشن‌تر و واقع‌بینانه‌تری به آنچه ممکن است پیش بیاید، برسد. پردازش شورا لزوماً برای چیدمان سازوکار جنگ نیست، بلکه می‌تواند به دیدبانی صلح هم بپردازد. تاریخ‌طولانی بشر که مشحون از جنگ‌ها بوده، قرارگاه صلح‌ها هم بوده است. ابتاء بشر در تاریخ مکتوب و معلوم هزاران ساله خود، بیش از آنکه در جنگ بوده باشند، در صلح زیسته‌اند. چه صلح و چه جنگ هر دو دستاورد بلندپایگان هر دوره تاریخ به مردمان‌شان بوده است. شورای دفاع حالا مسئولیت روشن جنگ، و تدبیر صلح را بر عهده دارد. تاریخ‌نویسان آینده، تداوم جنگ یا تدبیر صلح را بر جامه‌ی شورای دفاع رنگ‌آمیزی می‌کنند. این مسئولیت خطیری است که تاریخ در این حساس‌ترین برهه‌ها بر پیشانی شورای دفاع نقش کرده است. با تشکیل شورای دفاع، حالا شورای عالی امنیت ملی با آسایش و فراغ لب بیشتر می‌تواند به وظیفه مهم سیاست و دیپلماسی بپردازد. جنگ و صلح به مثابه دو بال یک پرنده هستند که قدرت پرواز و چیدن در اوج آسمان‌ها را به او می‌دهند. اکنون هر دو بال جنگ و صلح در نظام سیاسی کشور مشخص و معین شده است. تصمیم‌های حوزه جنگ و دفاع، و تدبیر صلح در شورای دفاع منعکس می‌شود؛ و کارهای اجرایی مربوط به صلح و دیپلماسی در شورای عالی امنیت ملی پیگیری می‌شود. از درایت و هم‌افزایی این دو بال شکوهمند، امید، آینده، سعادت و شکوفایی برای کشور، در مسیر منافع ملی و خیر عامه، به ارمغان می‌آید. و همگان می‌دانند که در نهایت خیرعامه بیش از آنکه در جنگ باشد، در ترک تخاصم، در صلح و در آرامش است.

▼ علی لاریجانی: هوای تازه در امنیت و سیاست

در چنین شرایطی، علی لاریجانی شخصیت عمل‌گرا و تکنوکراتی است که اکنون بر تارک بالاترین نهاد امنیت ملی کشور تکیه زد. نهادهی تعیین‌کننده و قانونگذار که می‌تواند مشی و مرام سیاست داخلی، خارجی، امنیتی، انتظامی و از همه مهمتر، رویکردهای نظامی و دفاعی کشور را دیگرگون کند. علی لاریجانی زمانی عهده‌دار امنیت ملی کشور شد که نظام حکمرانی با ناترازی‌های مسموم دست به گریبان است؛ ناترازی‌هایی که در سهمگینی اخیر خود از انتخابات ۱۴۰۰ به جان نظام حکمرانی کشور افتاد و کار را به هر جایی که تصورش نمی‌رفت، کشاند. از بهمار ۱۴۰۰، گفت‌وگوهای برجامی به محاق افتاد، ایران ناخواسته پایش به جنگ با اروپا و ناتو در زمین اوکراین کشیده شد؛ درگیری‌ها بین اسرائیل و ایران حالت مستقیم‌نظامی به خود گرفت؛ گروه‌های مقاومت با همه‌جملای آخرالزمانی رویه‌رو شدند و سرانجام اسرائیل با همدستی ناتو و آمریکا برای مدت ۱۲ روز جنگی تجاوزکارانه را به کشور تحمیل کرد؛ جنگی که در یک آتش‌بس شکننده هر زمان احتمال و امکان بازگشت دارد. از سوی دیگر، کشور در معرض بازگشت همه‌جانبه تحریم‌های جهانی سازمان ملل متحد با احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه قرار دارد. اکنون علی لاریجانی وارث این همه نابسامانی‌ها و ویرانه‌هاست. علی لاریجانی با این همه آوار چه می‌تواند بکند جز آنکه دست‌گشاده و اختیاراتی ویژه‌ای در سیاست داخلی و خارجی داشته باشد؟ اکنون زمان آن فرا رسیده است که پرونده غنی‌سازی اورانیوم با اختیاراتی خاص و ویژه به علی لاریجانی و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی سپرده شود. او از سطح تصمیم‌سازی باید فراتر رفته و شأن تصمیم‌گیر داشته باشد. دنیای خارج باید درآید که از این پس با دست‌فرمان تازه‌ای در سیاست خارجی رویه‌رو می‌شود. سیاست داخلی و خارجی باید در یابند که کشتی‌بان را سیاستی دگر آمده است. ناامیدی‌ها به امید تبدیل شود. کشور و نظام از حالت کنونی در سیاست داخلی و خارجی برجهیده و درچپای به هوای تازه بگشایند. با امید و دعا برای ایشان در مسئولیت بس خطیری که بر عهده گرفته‌اند.

▼ موضع حزب‌الله

دبیرکل حزب‌الله لبنان، عصر دیروز در مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت محمدسعید ایزدی (حاج رمضان) مسئول بخش فلسطین در نیروی قدس سپاه به صورت ویدئویی سخنرانی کرد. شیخ نعیم قاسم علاوه بر پرداختن به سوابق همکاری با شهید ایزدی و نقش او در تقویت جریان مقاومت، به جلسه روز سه‌شنبه دولت و موضوع خلع سلاح نیز پرداخت. دبیرکل حزب‌الله گفت: «فرستاده آمریکا با دستوراتی برای خلع سلاح لبنان و مقاومت آمد، که کاملاً به نفع اسرائیل است. ما نمی‌توانیم به هیچ جدول زمانی برای خلع سلاح لبنان از قدرت آن که تحت تسلیم تجاوز اسرائیل اجرا می‌شود، متعهد شویم. ما با هیچ توافق جدیدی موافق نیستیم و اسرائیل باید توافق قبلی (آتش‌بس) را اجرا کند.» او با هشدار به رژیم صهیونیستی، تأکید کرد: «به نفع اسرائیل است که به سمت حملات گسترده نرود زیرا مقاومت و ارتش و ملت دفاع خواهند کرد و موشک‌ها به داخل رژیم صهیونیستی اصابت خواهند کرد و امنیتی که طی مدت هشت ماه داشته‌اند ظرف یک ساعت از بین خواهد رفت.» او همچنین در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «مسیر ما ساختن لبنان است؛ مقاومت، تصمیمات دولت را بدون مشکل تسهیل کرد. توافق آتش‌بس نشان داد که بین مقاومت و دولت، تعامل وثیقی وجود دارد.»

هم‌زمان با اظهارات دبیرکل حزب‌الله، آماری نیز از میزان نقض آتش‌بس توسط رژیم اسرائیل از زمان حصول توافق در آذرماه سال گذشته از سوی شبکه المنار - نزدیک به حزب‌الله-منتشر شد. بر اساس این آمار، ۴۲۴۷ بار این آتش‌بس از سوی اسرائیل نقض شده است. رژیم صهیونیستی اگر چه بمباران سنگین مناطق مختلف لبنان به‌خصوص جنوب این کشور و بیروت را متوقف کرده، اما ترو‌های هدفمند این رژیم و حملات پراکنده هنوز ادامه دارد. بر اساس گزارش المنار، تاکنون به دنبال حملات اسرائیل ۲۳۰ نفر شهید و ۴۷۷ نفر زخمی شده‌اند. همچنین این رژیم همچنان پنج نقطه در جنوب لبنان را تحت اشغال خود نگه داشته است. حامیان حزب‌الله می‌گویند به‌رغم تمام این نقض آتش‌بس‌ها، مقاومت به خاطر ارتباط با دولت و مصالح ملی دست به حمله متقابل نزده است.

به گزارش النشرة، «علی المقداد»، نماینده پارلمان و عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت (حزب‌الله) با اشاره به جلسه دولت لبنان درباره سلاح مقاومت گفت: «جلسه امروز لازم نبود که برگزار شود. هر آنکه خواهان خلع سلاح مقاومت لبنان است در راستای پروژه اسرائیلی-آمریکایی حرکت می‌کند. خلع سلاح باری بر دوش است.»

«محمود قماطی» عضو شورای سیاسی حزب‌الله هم قبل از برگزاری این جلسه، در برنامه «بین پرانتز» شبکه المنار گفت: «از دولت می‌خواهیم که روز سه‌شنبه درباره سلاح مقاومت یک موضع حکیمانه و مدبرانه در پیش گیرد. سلاح مقاومت فقط برای مقابله با تهدیدهای خارجی است و هیچ‌کس در داخل نباید از سلاح مقاومت بترسد. سلاح مقاومت براساس قوانین بین‌المللی است و هیچ‌کس نمی‌تواند نقش مقاومت را به حاشیه ببرد و مقاومت براساس قوانین بین‌المللی ادامه‌می‌یابد.»

«علی فیاض» دیگر نماینده فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان هم اولین گام و اولویت را پایان دادن به اشغالگری اسرائیل و توقف تجاوزگری آن علیه کشورش قبل از بحث درباره هر مسئله دیگری بیان کرده بود.

تجمع حامیان حزب‌الله هم از شامگاه دوشنبه آغاز شد. این تجمعات بیشتر در مناطق حومه جنوبی بیروت انجام شده است. همچنین شامگاه سه‌شنبه اخباری مبنی بر حضور موتورسواران حزب‌الله در خیابان‌های بیروت منتشر شد که با استقرار ارتش لبنان در مناطق مختلف پایتخت همراه بود. این موضوع البته امری طبیعی و مسبوق به سابقه در لبنان است و به تنهایی نشانه‌ای از بحران نیست. در سوی دیگر، سیاستمداران و رسانه‌های مخالف حزب‌الله هم به شدت در حال فضا‌سازی برای انجام این اقدام هستند.

مختلف داشته‌ایم، در خصوص این موضوع خاص نیز، هیچ‌گونه سوت‌فاهمی میان وزارت امور خارجه و صداسیما وجود ندارد. پیشنهاد انجام این مصاحبه برای یک برنامه نسبتاً متفاوت، توسط تهیه‌کننده محترم مطرح شد و مصاحبه انجام گرفت. از آن‌جا به بعد، ادامه فرایند در اختیار تهیه‌کننده و صداسیما بوده است. بنابراین، اگر صداسیما احیاناً نظری درباره تعدیل بخش‌هایی از این مصاحبه داشته است، موضوع در حیطه ارتباط میان تهیه‌کننده و سازمان صداسیما قرار می‌گیرد.» جواد موقویی، مجری ماجرای جنگ نیز پس از انتشار هر دوی این روایت‌ها، شامگاه دوشنبه در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «پس از تولید دو قسمت از برنامه تلویزیونی «ماجرای جنگ»، برنامه طبق روند مرسوم به شبکه ۳ صداسیما جهت پخش ارائه شد. قسمت اول (گفت‌وگو با سردار وحیدی) پس از اعمال اصلاحیه‌های منظر صداسیما پخش شد. پس از ورود مستقیم ریاست سازمان در نظارت بر برنامه، به‌رغم فرصت چندروز بازبینی قسمت دوم(دکتر عراقچی)، از سوی ریاست محترم هیچ اصلاحیه‌ای به سازندگان برنامه ارائه نشد. سرانجام پس از تعلل چندروزه، با اطلاع به ریاست سازمان، تصمیم به ادامه پخش برنامه در فضای مجازی گرفتیم، و قسمت دوم در هماهنگی و با تأیید دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی منتشر شد.» او همچنین خبر داد که به‌رغم مخالفت با پخش برنامه از آنتن شبکه ۴، صوت مصاحبه در اپلیکیشن ایران صدامتعلق به صداسیما منتشر شده است.

▼ بازدید از ساختمان شیشه‌ای

حضور عراقچی در سازمان صداسیما می‌تواند به عنوان نقطه پایانی بر این مسئله تلقی شود، چرا که وزیر امور خارجه در جریان این حضور ضمن تمجید از عملکرد این سازمان، بار دیگر بر اهمیت هماهنگی سه ضلع دیپلماسی، میدان و رسانه تأکید کرد و آن را یکی از جنبه‌های مهم جنگ اخیر خواند. بر اساس خبری که وزارت امور خارجه منتشر کرد، در جریان جلسه میان رئیس دستگاه دیپلماسی و مدیران ارشد صداسیما «ضمن تشکر از رئیس و مدیران رسانه ملی به خاطر نقش بسیار مهم و اثرگذار صداسیما در کمک به پیش‌برد وظایف دستگاه دیپلماسی، همکاری و هماهنگی میان رسانه و دیپلماسی را لازمه موفقیت کشورمان در تأمین منافع ملی دانست و تصریح کرد هم‌افزایی بین سه ضلع رسانه، دیپلماسی و میدان ضامن اقتدار و پیشرفت ایران خواهد بود.» صداسیما به عنوان رسانه عمومی کشور می‌تواند در جریان رویدادهای دیپلماتیک نقش مثبت یا منفی ایفا کند. همانطور که در دوران مذاکرات هسته‌ای منتهی به توافق برجام، نقشی منفی ایفا می‌کرد. در حال حاضر نیز همین فضا اما با غلظت کمتری وجود دارد که شاید از رهگذر این ارتباط کنترل شود.